

## روابط فرهنگی دکتر نذیر احمد با کتابخانه خدابخش

رضوان الله آروی\*

استاد نذیر احمد از شخصیت‌هایی است که در گسترش زبان و ادب فارسی در هند نقش مهمی بر عهده داشته است. استاد همواره مشغول مطالعه و تحقیق بود و برای کشف نسخه‌های ناشناخته فارسی به کتابخانه‌های مختلف هند و خارج هند می‌رفت. کتابخانه خدابخش شهر پتنه در هند یکی از مؤسسات مهم علمی و تحقیقی است که ذخایر مهمی از نسخ خطی فارسی دارد. استاد بارها از این کتابخانه دیدن کرد. بنده در آن زمان، در همین کتابخانه مشغول به کار بودم و به همین سبب فرصت یافتم که در خدمت استاد باشم. این دیدارهای چندروزه، خاطره‌ای فراموش‌نشدنی است. مسئولان کتابخانه در آن زمان به‌ویژه دکتر عابد رضا بیدار، رئیس اسبق این کتابخانه، همواره دکتر نذیر احمد را برای شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارهایی که در کتابخانه خدابخش برگزار می‌شد، دعوت می‌کردند. دکتر نذیر احمد عضو هیئت دولتی کتابخانه خدابخش نیز بود و در جلسات این هیئت که در شهر پتنه برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد و با فرماندار استان بهار که رئیس هیئت حکومتی کتابخانه بود، همکاری می‌کرد. در همان زمان، به‌یاد مؤسس کتابخانه (شادروان خدابخش) خطبه سالیانه‌ای به نام «خطبات خدابخش» آغاز شد و در آن پروفیسور آصف فیضی، دکتر زبیر صدیقی و قاضی عبدالودود سخنرانی کردند. در سال ۱۹۷۴ م. دکتر نذیر احمد برای این خطبه سالیانه انتخاب شد. استاد در این خطبه سخنرانی بلیغی با عنوان «فارسی و هند» ایراد کرد که سه روز طول کشید و مورد تمجید و استقبال حضار قرار گرفت.

\* دانشیار بخش فارسی کالج اچ.دی. جین، آرا (بهار).

در سال ۱۹۷۶ انتشار فصل نامه کتابخانه خدابخش به نام «خدابخش جرنل» آغاز شد و در شماره اول مجله این خطبات نذیر احمد به شکل مقاله چاپ شد که حدود صد صفحه بود. در شماره‌های بعدی این فصلنامه نیز مقالات استاد نذیر احمد به چاپ رسید. حتی در یک شماره (شماره ۴۴-۴۵) متن کامل و مدون فرهنگ زفان گویا با مقدمه دکتر نذیر احمد در چهارصد صفحه منتشر شد. کتابخانه خدابخش این فرهنگ را در سال ۱۹۸۹ به صورت کتاب چاپ کرد. من در این فرصت فقط درباره دو مقاله استاد که در مجله خدابخش جرنل (شماره ۲۱ و ۷۴) چاپ شده است، مطالبی عرض می‌کنم. مقاله نخست درباره شاعر شهیر فارسی سلمان ساوجی است و عنوان آن چنین است: «غزلیات سلمان ساوجی (نسخه خدابخش) و تعیین زمانه استعمال ذال فارسی». نام مقاله دوم اسم قدیم حیدرآباد «باگ نگر» است که به زبان اردو در شماره ۷۴ این مجله به چاپ رسیده است.

اما بهترین اثر استاد نذیر احمد همان سخنرانی است که به شکل سه مقاله به زبان اردو و در شماره نخست این مجله انتشار یافته است. این مقاله ثابت می‌کند که ما در زمینه هنرهای زیبا مانند هنر معماری، نقاشی و خطاطی چقدر از ایران الهام گرفته‌ایم. شماره اول خدابخش جرنل شامل سه سخنرانی استاد نذیر احمد است که وی به یاد شادروان خدابخش، در کتابخانه خدابخش پتته ایراد کرده بود. نام‌های این سه خطبه عبارت‌اند از:

۱. اثر و نفوذ فارسی در جامعه و زبان‌های هند؛

۲. نفوذ فارسی در امور تهذیب و تمدن هند؛

۳. کتب نادر فارسی در کتابخانه‌های قدیم هند.

در مقاله نخست دکتر نذیر احمد روابط قدیمی ایران و هند را بررسی کرده است. به عقیده وی داریوش کبیر، پادشاه هخامنشی، حدود مرز سلطنت خویش را تا رود سند گسترش داده بود و سفرای هند به مناسبت نوروز، با هدیه و ارمغان در خدمت او حاضر می‌شدند. به همین دلیل در کتیبه‌های هخامنشی نام رود سند آمده است و تصاویر سفرای هند در تخت جمشید روی سنگ‌ها کنده‌کاری شده است. دکتر نذیر احمد نه تنها به زبان و ادبیات فارسی تسلطی کامل داشت، بلکه از تاریخ و اوضاع سیاسی ایران،

هند و افغانستان نیز به‌خوبی آگاه بود. وی در آغاز این مقاله ضمن اشاره به سلطنت غزنویان و غوریان ثابت می‌کند که در نتیجه تغییر اوضاع سیاسی دوره غزنویان، لاهور مرکز علم و ادب شناخته شد و پس از آنها در زمان غوریان، دهلی این مرکزیت را به‌دست آورد؛ اما در عهد پادشاهان تیموری این زبان به‌اوج خود رسید و هند به‌یک‌ی از مراکز مهم ادب فارسی تبدیل شد. به‌دلیل علاقه پادشاهان تیموری به‌زبان و ادب فارسی، شعرای چیره‌دست زبان فارسی که به‌دربار آنها وابسته بودند، سبک خاصی به‌نام سبک هندی ایجاد کردند. این سبک بر دیگر سبک‌های ایران چیره شد و شعرای ایران و افغانستان که به‌پیروی این سبک شعر می‌سرودند، مورد تمجید و تحسین قرار گرفتند. فیروزکوهی یکی از این شاعران بود که به‌عقیده استاد نذیر احمد، شاعری متبحر بود؛ ولی جای بسی شگفتی است که فیروزکوهی به‌عنوان شاعر سبک هندی معروف نبود و ناشناخته مانده بود؛ در حالی که شعرای دیگر آن زمان مانند فیضی، عرفی، نظیری، صائب و کلیم شهرت بسیاری دارند، به‌ویژه میرزا عبدالقادر بیدل که علاوه بر ایران و هند در افغانستان نیز شهرت بسزایی دارد.

دکتر نذیر احمد در ادامه درباره نثرنویسی توضیح می‌دهد که هند در آن دوره در زمینه تاریخ‌نویسی و تذکره‌نویسی گوی سبقت را از ایران ربوده بود. به‌ویژه در فرهنگ‌نویسی هند برتر از ایران بود و بیشتر فرهنگ‌های آن زمان، در هند مدوّن و جمع‌آوری شده بودند و متن انتقادی آنها بعدها در ایران به‌چاپ رسید؛ مثلاً: فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع، فرهنگ آندراج، فرهنگ قواس، فرهنگ دستورالافاضل. گفتنی است که استاد نذیر احمد خود تدوین متن انتقادی دو فرهنگ آخر یعنی فرهنگ قواس و دستورالافاضل را به‌انجام رسانده است که از جمله معتبرترین کتب لغت فارسی محسوب می‌شوند.

استاد نذیر احمد در این مقاله دلایل اصلی نفوذ زبان فارسی در هند را چنین بیان می‌کند:

۱. تسلط فرمانروایان ایرانی که تحت سرپرستی آنان زبان فارسی در هند به‌سرعت گسترش یافت.
۲. همجواری دو کشور ایران و هند و آریایی بودن مردم دو کشور.

۳. زبان‌های هندی و زبان فارسی هم‌ریشه و هر دو از دسته زبان‌های آریایی هستند.  
 ۴. سرچشمه فرهنگ ایران جدید، تمدن اسلامی است و این تمدن درخشان برای هندیان پرجاذبه است.

در ادامه استاد نذیر احمد ضمن اشاره به تأثیر زبان فارسی بر جنبه‌های مختلف زندگی مردم هند، درباره واژه‌های مصطلح و رایج فارسی در جامعه هندی سخن می‌گوید. تأثیر زبان فارسی را می‌توان در نام‌های مردم هند، اعضای بدن، غذا و خوراک، ملبوسات، ظروف و زیورآلات، میوه‌ها، گل‌ها و پرندگان و غیره مشاهده کرد:

- ◆ نام زنان و مردان: جمشید، رستم، سهراب، یاسمین، جهانگیر، شهناز و غیره.
- ◆ نام اعضای بدن: ابرو، ناخن، سینه، جگر، دل، بازو، پشت و غیره.
- ◆ نام غذا و خوراک: گوشت، شیرمال، شیر برنج، فالوده، دوپپازه و غیره.
- ◆ نام ملبوسات: پاجامه، زیرجامه، شلوار، قمیص، ازار، عمامه و غیره.
- ◆ نام ظروف: سینی، قاب، گلدان، پاندان، طشت، کفگیر و غیره.
- ◆ نام زیورآلات: بازوبند، گلوبند، انگشتری، آویزه، پازیب و غیره.
- ◆ نام میوه‌ها: سیب، انار، انگور، ناشپاتی، خوبانی، بادام، کشمش و غیره.
- ◆ نام گل‌ها: گل داوودی، لاله، نیلوفر و غیره.

نکته جالب این است که استاد حتی دشنام‌ها را نیز فراموش نمی‌کند که تحت تأثیر و نفوذ زبان فارسی در کشور هند رایج است: آواره، بی‌حیا، بی‌شرم، کمینه، نالایق، بدنصیب، بدذات و غیره.

در بخش آخر این مقاله، استاد نذیر احمد نفوذ فارسی در شعر اردو به‌ویژه در غزل را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که همه اصناف ادبیات فارسی در ادبیات اردو نیز رواج دارد و محور فارسی نیز در اردو متداول شده است. حتی موضوعات و علایم غزل اردو مانند باده و ساغر، نرگس، سنبل، میکده و پیر مغان، رخسار و غمزه و غیره از فارسی اخذ شده است.

سخنرانی دیگر استاد نذیر احمد که مقاله دوم چاپ شده در شماره اول مجله خدابخش جرنل است، درباره نفوذ فارسی در امور فرهنگی هند است. در این مقاله استاد نذیر احمد درباره کتیبه‌های فارسی، فرامین پادشاهان، نامه‌ها و مکاتیب فارسی،

نسخه‌های خطی فارسی، نقاشی و خطاطی اطلاعات زیادی فراهم می‌آورد؛ به‌ویژه کتیبه‌های فارسی بررسی شده‌اند که بر سر در ساختمان‌ها (کاخ‌ها، مساجد، اماکن متبرکه و غیره) نوشته شده یا بر بدنه کوه‌ها حکاکی شده‌اند. این کتیبه‌ها از معتبرترین منابع تاریخی و سیاسی آن دوران به‌شمار می‌آیند و برای قضاوت صحیح درباره امور تاریخی و فرهنگی کشور هند به‌کار می‌روند؛ اما استاد نذیر احمد اظهار تأسف می‌کند که آن طور که شایسته است، تحقیق و پژوهشی در زمینه کتیبه‌شناسی انجام نگرفته است. طبق گفته استاد نذیر احمد در آغاز دوره اسلامی، بیشتر کتیبه‌ها به‌زبان عربی بودند؛ اما کتیبه‌های متعلق به‌زمان پادشاهان تیموری به‌زبان فارسی هستند. کتیبه مسجد قوت‌الاسلام (دهلی‌نو) یکی از قدیمی‌ترین کتیبه‌های فارسی موجود در هند است. گفتنی است که کتیبه‌های فارسی نه تنها در ساختمان‌های مسلمانان، بلکه در ساختمان‌های هندوان نیز دیده می‌شوند و استاد نذیر احمد، وجود آنها را بسیار مغتنم می‌پندارد. نکته جالب‌تر این است که در ایران تعداد کتیبه‌های فارسی در مقایسه با هند بسیار کمتر است.

استاد نذیر احمد علاوه بر کتیبه‌ها، از فرامین و مکاتیب پادشاهان تیموری نیز پرده برمی‌دارد که درباره مصارف و مخارج معابد هندوان نوشته شده‌اند و نشان می‌دهد که شاهان تیموری، با هندوان چقدر با مهربانی رفتار می‌کردند. سپس، استاد نذیر احمد درباره کتابخانه‌های هند که دارای مخطوطات و مطبوعات فارسی هستند، به‌عنوان نمونه‌ای از اثر و نفوذ فارسی در هند تحقیق کرده است و برای اثبات ادعاهای خود از کتابخانه‌های پتنه، دهلی، رامپور، علیگر و حیدرآباد و غیره مثال‌هایی ذکر می‌کند.

یکی از ویژگی‌های مهم این مقاله، مطالعه هنر مصوری و خطاطی است که در دوره تیموریان به‌سرعت پیشرفت کرد. حتی در نسخ خطی فارسی آن دوره، هنر نقاشی ظریف و همراه تذهیب رایج شد که پیش‌تر وجود نداشت. نمونه‌های این نقاشی و نگارگری را در نسخه‌های خطی فارسی مانند *داراب‌نامه*، *بابرنامه*، *تیمورنامه*، *اکبرنامه*، *خمسه نظامی*، *خمسه امیر خسرو*، *انوار سهیلی* و غیره می‌توان مشاهده کرد. در اینجا ذکر این نکته لازم است که نسخه مصور خطی فارسی *تیمورنامه* (یا تاریخ خاندان تیموریه) که در کتابخانه خدابخش نگهداری می‌شود و نسخه منحصر به‌فردی است، را

دستان توانا و هنرمند نقّاشان هندو مانند تلسی، دهرم داس نرائن، گنگا سنگ، پارس، دهنا و غیره به وجود آورده‌اند.

آخرین و سومین سخنرانی دکتر نذیر احمد، مربوط به کتابخانه‌های دارای نسخه‌های خطی فارسی در هند است. استاد نذیر احمد درباره کتابخانه‌های پادشاهان تیموری، از بابر تا اورنگ‌زیب، اطلاعات زیادی به هم می‌رساند و به‌ویژه درباره مخطوطات فارسی که دارای امضا و مُهر شاهان تیموری هستند، مطالبی بیان می‌کند. دکتر نذیر احمد درباره ظهیرالدین بابر می‌گوید که او موجد نوعی از خط فارسی به نام خط بابری بود که نمونه این خط را دکتر نذیر احمد در موزه نادر شاه در مشهد دیده بود. استاد نذیر احمد درباره همایون می‌نویسد که دیوان او را جناب هادی حسن در استان بیهار هند منتشر کرده است. نسخه خطی دیوان حافظ محفوظ در کتابخانه خدابخش همان نسخه‌ای است که همایون و جهانگیر به آن تفأل می‌کردند. ایشان در ضمن تذکره جهانگیر درباره توزک جهانگیری نیز بیان می‌کند که به خط جهانگیر است و در موزه ملی (دهلی‌نو) نگهداری می‌شود. دکتر نذیر احمد علاوه بر کتابخانه‌های شاهان تیموری، درباره کتابخانه‌های امرا و شاهزادگان تیموری نیز مطالبی بیان می‌کند. به گفته استاد، این امرا و شاهزادگان از دستداران علم و ادب بودند و شاعران و نویسندگان آن دوره را سرپرستی می‌کردند. از آن میان، استاد نذیر احمد، داراشکوه را بارزترین چهره ادب پارسی برمی‌شمارد که با آثار علمی متعدد خود که به زبان فارسی تصنیف یا ترجمه شده‌اند، موجب توسعه افکار فلاسفه و صوفیه هند شده است. استاد نذیر احمد، جهان‌آرا دختر شاه جهان، را به یاد می‌آورد که به زبان و ادبیات فارسی علاقمند بود و به حضرت خواجه معین‌الدین چشتی علاقه وافری داشت و اثر نفیس وی مونس‌الارواح درباره زندگی این صوفی نگاشته شده است. علاوه بر شاهان و شاهزادگان تیموری، از میان امرای تیموری، میرزا عبدالرحیم خان‌خانان نیز کتابخانه خود را به نحوی عالی نظم و ترتیب داده بود و یک نسخه نادر خطی یوسف و زلیخای جامی را به پادشاه جهانگیر تقدیم کرده بود. دکتر نذیر احمد بسیاری از کتابخانه‌های دیگر دهلی‌نو و شهرهای دیگر را نام می‌برد، مثلاً کتابخانه اوده (لکنهو)، کتابخانه خدابخش (پتنه)، کتابخانه رضا (رامپور)، کتابخانه دانشگاه علیگر، موزه سالار جنگ (حیدرآباد) و غیره.

بخش آخر این مقاله شامل معرفی نسخه‌های خطی فارسی و بررسی قدمت آنها است. مثلاً شاهنامه مصور فردوسی که در بمبئی موجود است و آقای مجتبی مینوی از آن نسخه استفاده کرده است. از نسخه‌های مهم دیگر که پروفیسور نذیر احمد به آنها اشاره کرده است، یک نسخه خطی کشف‌المحجوب است که صوفی شهیر حضرت بهاءالدین زکریا ملتانی به نگارش درآورده است. این تنها نسخه‌ای است که به دستخط حضرت ملتانی کشف شده است. همچنین نسخه رباعیات سیف‌الدین باخرزی است که در کتابخانه خدابخش محفوظ است و استاد سعید نفیسی آن را در مجله دانشکده ادبیات منتشر کرده است.